



ایرنا

بررسی تفاوت‌های گفتمانی «پیشرفت» و «توسعه» در گفت‌وگو با دکتر حسین ظفری

مدل‌های بومی ما را به پیشرفت می‌رساند

توسعه‌ای که به قیمت له شدن اقشار آسیب‌پذیر به دست بیاید، پیشرفت نیست



در حوزه‌هایی

که از

مدل‌های

مرسوم توسعه

به صورت

آگاهانه پیروی

نکرده‌ایم یا

این مدل‌ها را

در اختیار ما

قرار نداده‌اند

به ناچار از

مدل‌های

بومی

خودمان

استفاده

کرده‌ایم، در

نتیجه از دل

آنها مدل‌های

پیشرفت

استخراج

شده است.

مثلاً در

حوزه‌های

دفاعی و

نظامی که

رسماً سال‌ها

است مورد

تحریم

کشورهای

پیشرفته

قرار داریم و

همین باعث

شد به سراغ

مدل‌های

خودمان

گام برداریم

و دیدیم که

چگونه در

این حوزه‌ها

امروزه به

سطوح عالی

پیشرفت در

دنیا رسیده‌ایم

گفت‌وگو

گروه‌سیاست

وقتی از پیشرفت صحبت می‌شود دقیقاً منظور چیست؟ آیا منظور کلماتی مانند توسعه است که از پشتوانه نظری مشخصی برخوردار است؟ یا وجود اهمیتی که مفهوم پیشرفت دارد، به نظر می‌رسد درباره آن نظریه‌پردازی چندانی صورت

نگرفته و شاخصه‌های پیشرفت نیز مشخص نیستند. همچنین این دیدگاه وجود دارد که به جای به‌کارگیری کلمه توسعه که ناظر بر گونه‌ای از پیشرفت است که شاید از جنبه‌هایی با ارزش‌های انقلاب اسلامی و با آموزه‌های دینی منافات داشته باشد، بهتر است از واژه پیشرفت استفاده کرد. اما این استفاده در صورتی که پشتوانه نظری پیشرفت مشخص نباشد، می‌تواند مشکل‌زا باشد. به همین نسبت مسائل بعدی در نسبت با پیشرفت نیز در تعریف دچار مشکل می‌شوند. دکتر حسین ظفری در این گفت‌وگو تفاوت مفهومی این دو کلمه را که در برمیآید آنها دو گفتمان در کشور ما شکل گرفته،

مورد بحث قرار می‌دهد. ظفری که در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه فعالیت می‌کند، دکترای آینده‌پژوهی خود را از دانشگاه تهران اخذ کرده و در حال حاضر مدیریت مرکز جنگ نرم و رسانه دانشگاه امام حسین (ع) را بر عهده دارد. وی معتقد است که کشورهای توسعه‌یافته با ظلم و ستم به کشورهای توسعه‌نیافته به پیشرفت رسیده‌اند و این باعث عقب‌ماندگی آن کشورها شد، اما ما برخلاف کشورهای توسعه‌یافته حاضر هستیم علم و دانش خود را در اختیار کشورهای مفلوم قرار دهیم و همین باعث تفاوت گفتمانی ما در واژه پیشرفت و توسعه است.



در ادبیات

ما هرگاه

صحبت از

توسعه می‌شد

ذهن‌ها

بسرعت

به سراغ

مدل‌های

غربی

می‌رفت؛

لذا رهبری

برای آنکه آن

همانندسازی

واژه توسعه

را در ذهن‌ها

بشکند، از

واژه پیشرفت

استفاده

کردند و در

کنار آن از یک

جامعه نوین و

تمدن اسلامی

مثال آوردند؛

جامعه‌ای که

در یک سطح

بالای علمی

قرار دارد،

عدالت در

جامعه موج

می‌زند، ثروت

به صورت

عادلانه توزیع

می‌شود و

خلاصه اینکه

یک سری

مؤلفه‌هایی را

مطرح کردند

و افزودند

که اگر

می‌خواهید

به سمت

این جامعه

حرکت

کنید، باید

به آن سمت

پیشرفت

و حرکت

با شتاب و

رویه جلو

داشته باشید

تمام بودجه‌ریزی و ساختار سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشورمان هنوز بر اساس همان مدل توسعه شکل گرفته است که نتایج آن را داریم می‌بینیم.

با این اوصاف آیا ما در حوزه پیشرفت، در مرحله تئوری و نظریه قرار داریم یا در حوزه‌های مختلفی مانند موشکی و فناوری به دستاوردهایی هم رسیده‌ایم که می‌شود از آنها به عنوان مصداق پیشرفت نام برد؟

در حوزه‌هایی که از مدل‌های مرسوم توسعه به صورت آگاهانه پیروی نکرده‌ایم یا این مدل‌ها را در اختیار ما قرار نداده‌اند به ناچار کرده‌ایم، در نتیجه از دل آنها مدل‌های پیشرفت استخراج شده است. مثلاً در حوزه‌های دفاعی و نظامی که رسماً سؤال‌ها است مورد تحریم کشورهای پیشرفته قرار داریم و همین باعث شد به سراغ مدل‌های خودمان گام برداریم و دیدیم که چگونه در این حوزه‌ها امروزه به سطوح عالی پیشرفت در دنیا رسیده‌ایم. امروزه ورود ما در برخی حوزه‌های نظامی معادلات قدرت را به هم ریخته است. حوزه هسته‌ای مورد دیگری از تحریم جهانی علیه ما بود؛ ما ناچار بودیم که علم و دانش این حوزه را به دست آوریم. حوزه نانو و برخی فناوری‌های پزشکی نیز از مصداق‌ها و مثال‌های پیشرفت جمهوری اسلامی است. اما متأسفانه در حوزه اقتصاد هنوز داریم از مدل‌های غربی استفاده می‌کنیم؛ مدل‌های شکست خورده‌ای که مادامی که از اینها استفاده می‌کنیم، وضعیت ما همین است و مشخص نیست تا چه زمانی باید از این مدل‌های معیوب استفاده کنیم.

وقتی حوزه‌های مختلف پیشرفت را بررسی می‌کنیم، مثال می‌آوریم که در بخش‌هایی مثل ساخت فلان موشک جزو سه کشور برتر دنیا هستیم و یا در حوزه ملاً عمل قرنیه جزو دو کشور برتر دنیا هستیم. حالا سؤال اینجاست که پیشرفت ما من با یکی از دانشمندان هسته‌ای خاص چه تفاوتی دارد؟ سؤال من از این بابت است که بیشتر با معنا و شاخصه‌های این کلیه‌واژه آشنا شویم.

تفاوت اساسی آن در این است که ما برخلاف آن کشورها دانش، علم و فناوری خود را به کشورهای دیگر آن احتیاج دارند، می‌دهیم.

فرآیند انتقال آن به چه صورت است؟

حالا بسته به آن علم و دانش ممکن است در سطحی رایگان و در سطحی دیگر خیر، ولی آن کشورها حتی با پول هم این علم و دانش را به ما نمی‌دهند؛ به‌عنوان مثال من با یکی از دانشمندان هسته‌ای صحبت می‌کردم و ایشان اظهار می‌کرد که فقط چهار یا پنج کشور به این علم دست پیدا کرده‌اند و آنها اجازه نمی‌دهند که این علم در اختیار کشور دیگری قرار بگیرد و در اظهارنظر جالبی می‌گفت که این کشورهای اژانس و عضو NPT نیستند، جاری و ساری است. در اصرار دارند ما تمام دوربین‌هایمان را مدام روشن نگه داریم، از روش خاص ما غنی‌سازی ۶۰ درصد را یاد گرفته‌اند و حالا این چهار یا پنج کشور نه تنها این علم را در اختیار سایر کشورها قرار نمی‌دهند بلکه اجازه نمی‌دهند که کشورها به جز خودشان به این علم دست پیدا کنند. همه ماجرای دعوا بر سر این است که ما با ظلم نظامی و موشکی خود



معادلات قدرت را برهم زده‌ایم. مثلاً آنها یک ناو ۱۰۰۰ متری می‌سازند که هلیکوپتر و جت جنگی از روی آن بلند می‌شود؛ در صورتی که ما ۱۰۰ قایق کوچک تندرو می‌سازیم و آنها را در برابر این ناو قرار می‌دهیم به نحوی که برای او اصلاً به‌صرفه نیست که یکی از موشک‌های گرانقیمت خود را برای شلیک به این قایق‌ها خرج کند، ولی برای ما به‌صرفه است که با این قایق‌های کوچک به این ناو شلیک کنیم. ماجرای غزه هم همین است، آنها در برابر سپر و گنبد آهنی اسرائیل بارانی از موشک‌های کوچک پرتاب می‌کنند و همین‌که نبی از آنها نیز از این سپر عبور کند، باز برنده این ماجرا غزه است. البته همه اینها صرفاً در حوزه نظامی نیست، بلکه ما امروزه قطب توریسم پزشکی منطقه هستیم.

این علم را به هرکسی که بخواهد آموزش هم می‌دهیم. در حال حاضر مستشاران ما در سوریه و عراق در کنار مستشاران آمریکایی حضور دارند و دانشی که ما در اختیار آنها می‌گذاریم را در مقایسه با دانش آمریکایی‌هایی که در نظر بگیریم که هیچ‌وقت در اختیار عراقی‌ها و سوری‌ها قرار نمی‌گیرد؛ لذا تفاوت دیدگاه و نگاه ما در تعریف کلیه‌واژه پیشرفت از همین‌ها سرچشمه می‌گیرد.

اگر قرار باشد این حوزه‌های پیشرفت در سایر بخش‌ها نیز تسری پیدا کند، حاکمیت می‌تواند چه نقشی داشته باشد و از طرفی مردم چگونه می‌توانند در این راستا کمک کنند؟

به اعتقاد من مفهوم قدرت از سال ۵۷ در دنیا یک تکان اساسی خورد. هرچند خود ما هم آتندر شفاف و درست نفهمیدیم که چه اتفاقی افتاده است، اما در دنیا پس لرزه‌های آن قابل مشاهده بود. خیلی‌ها بر این باور هستند که قدرت در جامعیت و مرکزیتی دارد که از آنجا به سایر بخش‌های کشور تسری پیدا می‌کند؛ جایی که لایه‌های سیاسی و زد و بندهای قدرت در آن رخ می‌دهد و در این پایین هم توده مردم به عنوان مورچه‌های کارگر هر روز در حال کار کردن هستند و از هیچ پیامدهی اطلاع ندارند! امام خمینی (ره) این فضا را تغییر داد و گفت که قدرت یک سری ریزبردارهای مردمی است که وقتی آنها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، یک کلان‌بردار قدرت را تشکیل می‌دهند که این می‌تواند هر چیزی را تخریب کند یا بسازد؛

لذا قدرت در یک جا متمرکز نیست و توزیع شده در آحاد جامعه است. به‌عنوان مثال موضوع امنیت را می‌شود از دو طریق حل و فصل کرد؛ یکی اینکه سازمان‌های امنیتی مثل سیا و ام‌آی ۶ را بیندازید و راه دیگر این است که از طریق کمیته‌های مردمی آن را کنترل کنید. امنیت از آن موضوعاتی است که معمولاً قابل واگذاری به



واقعیّت زشت بشت ناظر فریبنده!

برش

از خود آمریکا به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته تا بسیاری از کشورهای اروپایی، تا اندازه قابل قبولی افراد کارتن‌خواب، حاشیه‌نشین و فقیر وجود دارد. حتی در برخی کشورها مانند هند و چین که می‌خواستند به‌سرعت توسعه خود بیفزایند، مجبور بودند کارآزنان ایجاد کنند تا با کار کردن این افراد سرعت قطار توسعه افزایش پیدا کند، به‌تبع آن تعداد فقرا و افراد حاشیه‌نشین هم در این کشورها رشد یافت. می‌بینید که مفاهیمی حول موضوع توسعه شکل می‌گیرد که پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد.

عکس: پرس تی وی • تصویری از محله زاغه نشین‌ها در پاریس